



عابدین پایی

شاعر ومنتقد

پنداشت بر آن است که زبان شعر را شاعر ایجاد می‌کند و زبان شاعر از مؤلفه‌های شعر تشکیل می‌شود. بدون فهم کردن شاعردر عیثیت‌ها زبان شعر ایجاد نمی‌شود و بدون حضور ذهنیت‌های زبانی شعر هم، شاعر فاقد زبان است. شعر با مفهوم‌زایی و مفهوم‌زدایی در درون خود است که به یک زبان مستقل دست می‌یابد و در زبان شعر ما با انواع مجاز مانند:استعاره، تشخیص، کنایه،نماد، تمثیل، پارادوکس، بزرگ نمایی و کوچک‌نمایی سروکار داریم؛ به شیوه‌ای که منظورها در شعر به سمت مقصودهایی از انواع مجاز در تکاپو و حرکت است. مثلا وقتی شاعر به ذکر یک جزء برای اراده کردن یک کل می‌پردازد یا به ذکر ظرف به جای مظروف یا علت به جای معلوم نگاه دارد، درواقع این کنایه نمادی‌ها، مقصودی جز ایجاد زبان شعر نیست. همیشه جزءنگری و پردازش به جزئیات یک موضوع نشان از معرفی کل آن موضوع است و در چنین حالتی است که زبان شعر شکل می‌گیرد. حضور تصویر image، استعاره netaphor، نماد symbolاز دیگر ایجاب‌هایی است که شعر را ایجاد می‌کند. معمولاً تصویر به معنی همان چیزی است که هست؛ یعنی شاعر همان چیزی را به نمایش می‌گذارد که عینیت دارد و در این عینیت هم زبانی نهفته است که شاعر این زبان را بر ساخته‌ای هنری بنا می‌نهد. نماد به چیزی گفته می‌شود که هست؛ به اضافه چیزی بیشتر و معمولاً نماد در شعر به جوش و خروش در زبان شعر کمکمی بایسته است و استعاره چیزی است غیر از آنچه که هست. یعنی شاعر چیزی را در شعر عنوان می‌کند که در واقع منظور چیزهای دیگری را به تصویر کشیدن است. نوعی برخلاف حقیقت و واقعیت سخن گفتن است؛ یا برخلاف آن ایده و منظور اصلی سخن راندن. و این استعاره‌مندی می‌تواند در یک سطر در شعر یا یک کلمه در شعر رخ دهد. برکنند مفهوم یک کلمه و جایگزین کردن مفهومی دیگر با رویکردی دیگر را با حفظ شکل و ظاهر کلمه استعاره می‌گویند. استعاره‌مندی در شعر نوعی عمل و لاا و گفت‌وگومندی متضاد در شعر است که مفهوم شعر را به سمت و سیاقی دیگر از مفاهیم سوق می‌دهد و زبانیت شعر را تقویت و تربیت می‌کند. یعنی شاعر به نوعی الگرناتیو درشعر دست می‌یابد که این جایگزینی می‌تواند کارآمد جلوه‌نماید؛ مانند واژه رز در این شعر از آریلی: «رز قرمز نجواگر هوس است/رز سفید از عشق تنفس می‌کند/ آه رز قرمز یک شاهین است/ و رز سفید یک کیوتر.» در سایر انواع مجاز مانند پارادوکس، بزرگ‌نمایی overstatement، کوچک‌نمایی understate و ایرونی irony نیز شاهد پوستاندازی معنا و مفهوم و زبانیت در شعر به شیوه مبرهن و کارآمد هستیم؛ به گونه‌ای که اغراق در شعر و کم‌گویی و کتمان حقیقت‌ها در شعر، خود از عوامل و کاربست‌هایی است که شعر را با زبان‌مندی خاصی مواجه می‌کند.وقتی شاعر تعدا دندست به کتمان حقایق در شعر می‌زند، به‌دنبال نوآوری در زبان شعر است و هر تغییر روشی که در شعر توسط شاعر؛ چه در فرم و چه در محتوا نضج می‌گیرد، به منزله تغییر زبان است. شاعر در اغراق گری‌های خویش، گاهی معانی کوچک را بزرگ جلوه می‌دهد و گاهی هم معانی بزرگ را کوچک به تصویر می‌کشد و در هر دو شرایط، این بازی‌های زبانی توأم با مفاهیمی کارآمد در تغییر زبان شعر در شمالی تازه‌تر در جوش‌وخروش‌اند. بافت معنایی ایرونی این است که نویسنده یا شاعر به واسطه آن معنایی مغایر با بیان ظاهری در نظر دارد. این آرونه‌گویی که معنایی متفاوت با بیان ظاهری را در شعر تصویر می‌کند، ازجمله‌مقولاتی است که در زبان شعر مؤثر افتاده است. یعنی شاعر یک مفهوم را در قالب، با تازگی‌های معنایی دیگر به دایره تصویر می‌کشد. ایرونی نوعی خلاف منظور اصلی را گفتن هم هست؛ یعنی شاعر به جای اینکه منظور اصلی خود را در شعر نمایان سازد، منظوری دیگر را با مفهومی ژرف‌تر و پویا و گویاتر ادر قالبی هنرمندانه‌تر برای مخاطب تصویر می‌کند. شاعر به جای زبان انسان، زبان طبیعت را جایگزین می‌کند و با زبان طبیعت، زبانی انسانی را می‌آفریند که این زبان با انسان به مراوده می‌پردازد و این رندانگی در زبان، تنها کار شاعر است. دیالوگ شاعر با طبیعت و هم‌نوع و جنس خود و سایر موالید هستی، منجر به تولید نوعی چندصدایی می‌شود که پشت‌بند این صداها، زبانی شاعرانه‌حضور دارد. شاعر وقتی از مراد عمر خویش می‌گوید یا دستان لحظه‌ها، درواقع از زبان کلماتی سخن می‌گوید که به شخصیتی انسانی مبدل شده‌اند. عمر انسان بر اساس فراز و فرودهای زندگی می‌تواند در حالت‌های مختلفی و بر بنیاد تجارب شخصی—اجتماعی، خود را در صحنه اجتماع به نمایش بگذارد و بستگی به رویکرد شاعر و تجاری دارد که در بافت اجتماع و ساخت طبیعت تجربه کرده‌است.



**آرمان ملی** – **بیتاناصر**: نوشتن یا ترجمه کردن در حوزه ادبیات داستانی، حکما ملاحظات خاصی را می‌طلبد؛ خصوصاً اگر مخاطب، کودک یا نوجوان باشد؛ زیرا بر همان قدر که یک متن خوب می‌تواند زمینه‌ساز علاقه و تمایل به مطالعه در این نسل شود، متن ضعیف و ناصحیح ممکن است اسباب دلزدگی و فاصله گرفتن کودک و نوجوان از کتاب و مطالعه را فراهم کند. در این میان، با توجه به اینکه معمولاً پر فروش‌های بازار، ترجمه‌ای‌ها هستند، به نظر می‌رسد مترجم‌ها مسئولیت خطیر تری را به عهده داشته باشند؛ مسئولیتی که البته در بسیاری موارد، نادیده گرفته می‌شود. فریا خانی، روزنامه‌نگار و نویسنده که مترجم شدن برخی افراد را حاصل نوعی «پارانویا» و توهم می‌داند، معتقد است «بازار گرم مترجم سبب شده هر کسی با کمترین دانش، فکر کند مترجم کتاب است. در حالی مترجم باید به اصول زبان و عناصر داستان و فرهنگ تسلط داشته باشد.» آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح نظرات درباره ضرورت و آسیب‌های ترجمه (والبنه تالیف) کتاب برای کودکان و نوجوانان است.

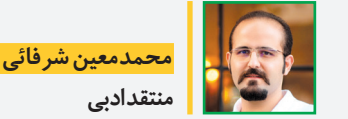
◀ **شما سال‌هاست علاوه بر روزنامه‌نگاری (به‌ویژه روزنامه‌نگاری کودک و نوجوان)، به عنوان داستان‌نویس فعالیت دارید. مواجهه با مسائل روز این گروه از جامعه تا چه میزان بر انتخاب سؤره‌های داستانی‌تان تأثیر گذار است؟**

اگر قبول کنیم که داستان یک رسانه است، اگر مناسب با اتفاقات و رخدادهای روز کودک و نوجوان قصه خلق کنیم، موفق خواهیم بود. به روز بودن و حرف زمانه رازدن یک اصل است. هر نسلی ویژگی زبانی و زبان مخفی خودش را دارد و دغدغه‌های خودش را... اگر برای نوجوانان می‌نویسیم، باید به ویژگی زبانی که انعکاس زمان و تجربه زیستی نوجوان است؛ توجه کرد. در زبان

به دنبال تغییر مسیر

## بررسی رمان «کار آگاهان وحشی»

**نوشته: روبر تو بولانیو با ترجمه:محمد جوادی، نشر نون (۱۴۰۱)**



منتقد ادبی

قبل از آنکه رمان «کار آگاهان وحشی» را بخوانید، باید سه نکته را بدانید. یکم: نقشه کشور شیلی مانند یک خط است. دوم: بولانیو به‌شدت از سبک رئالیسم جادویی متنفر بود و به همین دلیل گروهی متشکل از شاعران و نویسندگان در شیلی تشکیل دادند و اسمش را گذاشتند: رئالیست‌های دو آتشه. سوم: کودتای ۱۹۷۳ شیلی. با در نظر گرفتن این سه نکته، خواندن رمان کار آگاهان وحشی لذت بخش‌تر می‌شود. کتابی نسبتاً حجیم اما وفادارانه به رئالیسم با قلمی روان و البته فرمی جالب که برخاسته از همان سبک فکری (رئالیست‌های دو آتشه) برمی‌آید، به این معنی که شما می‌توانید از هر کجا که خواستید رمان را شروع به خواندن کنید. بدون آنکه نیاز باشد وقایع قبلی را بدانید یا شخصیت‌های قبلی را بشناسید. به‌طور کلی رمان سه فصل دارد. فصل اول: مکزیکی‌های همشده در مکزیک؛ فصل دوم: کار آگاهان وحشی؛ فصل سوم: بیان‌های سونورا. این سه فصل به وقایع‌نگاری روزانه تقسیم می‌شود. در واقع تنها شروع رمان مشخص است، جایی که می‌خوانیم راوی این کتاب یعنی خوان گارسیا مادرو، شاعر جوانی است و علاوه بر اینکه می‌خواهد ادبیات شیلی و مکزیک را قوت بخشد، می‌خواهد ادبیات آمریکای لاتین را نیز قوت بخشد. روبر تو بولانیو نویسنده و شاعر اهل شیلی از پیشگامان موج نوی داستان‌نویسی آمریکای جنوبی بود. سال ۱۹۵۳ در شیلی متولد شد و در سال ۲۰۰۳ در سن پنجاه سالگی از دنیا رفت. نویسنده نامدار شیلیایی دو رمان مهم دارد، کار آگاهان وحشی و ۲۶۶۶. البته رمان‌های کوتاه و داستان‌های کوتاه بسیاری از این نویسنده به زبان فارسی ترجمه شده است. آثار بولانیو اغلب درونمایه ادبی دارند یعنی بیشتر درباره ادبیات و نویسندگان و شاعران است. رمان کار آگاهان وحشی امسال با ترجمه محمد جوادی توسط نشر نون به چاپ رسید تا یکی از مهم‌ترین آثار ادبی جهان در دسترس خوانندگان ادبیات در ایران قرار بگیرد. «کار آگاهان وحشی» که در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید، بولانیو در این داستان، قصه‌ای از حلقه شاعرانی را ارائه می‌دهد که می‌خواهند ادبیات آمریکای لاتین را متحول کنند. این حلقه رئالیست‌های دو آتشه نام دارد. کتاب به صورت کلی به خاطرات یک شاعر نوپا که به تازگی وارد گروه شده، آغاز می‌شود. شیوه خاطر‌نگاری از مهم‌ترین سبک‌های نوشاری رئالیستی است و بولانیو به خوبی در این اثر از آن استفاده می‌کند. در ادامه رمان، از زبان راویان دیگر که شاعر هستند، به شرح ماجراجویی‌های این حلقه برای یافتن شاعران همفکر، ابتدار مکزیک و سپس در سراسر جهان، می‌پردازند.

◀ بولانیو برای این کتاب موفق به دریافت جایزه معتبر رومولو گایه‌گوس(که معادل جایزه بوکر برای آثار اسپانیایی‌زبان است) شد. پس از این موفقیت، روبر تو بولانیو با سرعت بیشتری شروع به نوشتن کرد و تقریباً هر سال یک کتاب را به انتشار رساند. این سرعت با آگاهی او از بیماری‌اش بیشتر گرفت. بولانیو به بیماری مزمن کبدی دچار شده بود و همین سبب مرگش شد. ادبیات بولانیو ساختار

فریا خانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»؛

# توهم مترجمی برای کودکان و نوجوانان

◀ **هر نسلی ویژگی زبانی مخفی خودش را دارد**

ترجمه خوب را نخواهید داشت. واژه فارسی ابزار کار مترجم است. باید ذخیره واژه مترجم بالا باشد تا راحت‌تر ترجمه کند. بنابراین شما علاوه بر تسلط به زبان و فرهنگ آن کشور باید به زبان و فرهنگ خودت تسلط داشته باشی. هرچه دانش ما بیشتر باشد، ترجمه بهتر خواهد بود.

◀ **از تأثیر و نقش زبان در انتقال مفاهیم کتاب‌های کودکان و نوجوانان بگوید. آیا در کتاب‌های موجود در بازار، به درستی از زبان فارسی استفاده می‌شود؟**

خیلی‌ها کار کودک و نوجوان را کاری ساده و دج‌ستی می‌دانند؛ در حالی‌که یک مترجم، یک داستان‌نویس و حتی یک روزنامه‌نگار حوزه کودک و نوجوان باید مسلط به زبان خاص این گروه سنی باشد، روانشناسی و حساسیت‌های این مخاطب را بشناسد؛ زیرا کار در این حوزه، بسیار مشکل‌تر از کار بزرگسال

است. کودکان معنی کنایه و بعضی شوخی‌ها را نمی‌دانند. باید منتقیم و ساده برای‌شان نوشت، کودکان خسته می‌شوند و باید از جمله‌های کوتاه قابل فهم استفاده کرد. خیلی‌ها از نثر شکسته استفاده می‌کنند که من معتمد اشتباه است؛ چون خواندن متن را مشکل می‌کند. برای یافتن زبان کودک باید منطق او را دانست. باید به حرف‌زدن کودکان حال و هوای آنان توجه کرد تا بتوان از زبان درستی برای کودکان استفاده کنیم. ذهن کودک پر از چراست. بوستین گوردی می‌گوید: کودکان فیلسوف هستند چون ذهن‌شان پر از چراست. نویسندگان ایرانی، بیشتر از زبان کودکی و نوجوانی نسل خودشان استفاده می‌کنند که باعث می‌شود ارتباط با این نسل را از دست بدهند. کودک و نوجوان امروز از طریق اینترنت با جهان آشناست، اطلاعات و بازی‌های مخصوص خود را دارد و اصطلاحات فضای مجازی و رایانه وارد زبان آنها شده است. با این حال، برخی نویسندگان ما از دنیای این نسل شناخت کافی ندارند. مسأله دیگر گروه‌بندی سنی است. شاعر اگر برای نوجوان با زبان کودکانه بنویسد، نوجوان آن را پس می‌زند. من در روزنامه‌نگاری نوجوان دیده‌ام که خیلی نوجوانان را بچه خطاب می‌کنند. برای این قشر، این واژه بر خورنده است. باید با توجه به گروه سنی، واژه‌ها را دقیق برگزید.

◀ **جایگاه آثار تالیفی خلق شده در گروه سنی کودک و نوجوان را در مقایسه با آثار ترجمه‌ای موجود در بازار کتاب کشور چطور می‌بینید؟**

ما سال‌های اخیر آثار تالیفی خوب زیاد داشته‌ایم؛ آثاری به قلم نویسنده‌های خوبی مثل فرهاد حسن‌زاده و... با نویسندگان دیگر. اما ادبیات از دل جامعه برمی‌آید. در کتاب «قدرت اندیشه» می‌خواندم که فلسفه در یک جامعه متعالی شکل می‌گیرد. ادبیات هم همین‌طور است. من در آثار ترجمه‌ای،

خلافت بیشتری می‌بینم. نویسندگان خارجی در خلق شخصیت برای کودکان و نوجوانان، موفق‌تر هستند. بدون ممیزی، داستان خلق می‌کنند اما اینجا نویسنده ایرانی ممکن است هزار نگرانی داشته باشد که او را از خلایق باز دارد. مادر درون خود یک سانسورچی داریم که می‌کند اما اینجا نویسنده خود را آزاد ادبیات داستانی ندارد. اما باید مهارت به کمک استرپ‌ژانر وحشت و... بیشتر می‌شود. نویسندگان خارجی در انتخاب کتاب آزاد بگذاریم. ببینید؛ اگر نوجوان لذت کتاب خواندن را درک کنند، کتابخوان می‌شوند.

◀ **بی‌شک توجه به رده سنی آثار ادبی در کتاب‌های کودک و نوجوان و زبان خاصی از شاخصه‌های اصلی در ترجمه و تالیف آثار منتشر شده در این حوزه به شمار می‌آید. به نظر شما این مسأله تا چه اندازه در کتاب‌های این حوزه رعایت می‌شود؟**

در این حوزه مترجمان خوبی داریم که کارشان بسیار ارزشمند است. رضی هیرمندی، محبوبه نجف‌خانی، پروین علی‌پور و مترجمان دیگری که نامشان الان یاد نمی‌آید، اما متأسفانه ما با شکلی از توهم روبه‌رو هستیم؛ پارانویای ترجمه. هر کسی که آشنایی سطحی با زبان انگلیسی و بازی‌های دیگر دارد، شروع به ترجمه می‌کند و بازار گرم ترجمه سبب شده هر کسی از راه برسد، با دانش کم فکر کند مترجم کتاب است. در حالی مترجم باید به اصول زبان و عناصر داستان و فرهنگ تسلط داشته باشد. مترجم بودن آثار ادبی نیاز به شناخت دقیق دارد؛ به همین دلیل تعداد آثار بد و ضعیف هم کم نیستند. از طرفی فضایی هم برای نقد ترجمه نیست. اگر فضای نقد بازتر باشد، سطح از تقا پیدا می‌کند.

◀ **گاهی با کتاب‌هایی در حوزه کودک و نوجوان مواجه هستیم که به نظر می‌آید برای گروه سنی بزرگسال نوشته شده‌اند. شما داشتن چه مهارت‌هایی را برای مولف و مترجم این حوزه الزامی می‌دانید؟**

فرقی ندارد در آثار ترجمه‌ای، در روزنامه‌نگاری، یاد در داستان‌نویسی کودک و نوجوان ما به آشنایی زبان این گروه مخاطب را نیاز داریم. این یک مهارت انکار‌نشدنی است. علاوه بر این، واژه‌گزینی برای مخاطب کودک و نوجوان باید دقیق باشد. باید تأثیرات مثبت و منفی انتخاب واژه را برای این گروه بشناسید و تنها اگر تسلط داشته باشید، متن شما جذاب و خواندن خواهد شد.

◀ **به عنوان یک مادر، معیار‌های شما برای انتخاب کتاب مناسب گروه سنی کودک و نوجوان چیست؟**

بچه‌ها وقتی که کودک هستند، می‌شود خوراک خوبی برای‌شان فراهم کرد. کتاب‌های کودک، باید تصویرگری خوب و نویسنده‌ای آگاه داشته باشند تا کودک را به کتاب‌خواندن علاقه‌مند کند. در سن نوجوانی، علاقه نوجوانان به کمیک استرپ‌ژانر وحشت و... بیشتر می‌شود. فقط با کتاب دوست باشند. بعد اطلاعات‌شان را در باره ادبیات خوب بالا ببریم. فرق کتاب خوب و کتاب دیوست ترجمه را توضیح دهیم؛ همین. برای‌شان کتاب انتخاب نکنیم. بقیه را با خود نوجوان است. متأسفانه برخی پدر ومادر و معلم‌ها کتاب نمی‌خوانند و دانشی ندارند. اما باید مهارت انتخاب کتاب را به نوجوان‌ها یاد بدهیم. مثلاً باید به نویسنده، به مترجم و به تصویرگر توجه کنند و متن موسوم به «سه دقیقه طلایی» پشت کتاب را که معمولاً اطلاعات مینیمال کتاب است، بخوانند. به آنها وقت بدهیم در کتابفروشی چند صفحه از کتاب را بخوانند تا ببینند جذاب‌شان می‌کند یا نه... به آنها یاد بدهیم اگر کتاب را خواندند، به آنها کتاب دیگری هدیه خواهد شد. سطح کیفی کتاب‌های کتابخانه مدرسه‌ها را بالا ببریم. نویسندگان و مترجمان و تصویرگران را به مدرسه‌ها دعوت کنیم تا برای دانش‌آموزان حرف بزنند و خاطره‌هاشان را از نوشتن بگویند. اگر شهید ادبیات را به نوجوانان و کودکان بچاشنیم مشکل حل خواهد شد.

عشق حرف زدن با رئیس‌جمهورها و اسقف‌ها را دارد» دست می‌انداخت و از نظرش ایزابل آئنده «مبتذل‌نویسی است که در حوزه‌ای از ادبیات کار می‌کند که از کیچ آغاز و به ادبیات آبگوشتی ختم می‌شود.»

◀ **کار آگاهان وحشی سرشار از نماد و استعاره است. شخصیت‌های متعددی که نبود هر کدام از آنها مانند نبود یک چرخ‌دنده ساعت، زمان را می‌گیرد، اثر گذار است. توجه بیشتر بولانیو بر شخصیت‌پردازی مهم‌ترین واقعه مدخل او به دل رئالیسم است. تأثیر مهم که شخصیت‌پردازی‌های رمان بولانیو را چندین و چند درجه جذاب‌تر می‌کند. خرده‌روایت‌ها و زاویه دیدهای مختلف در داستان در کنار هم، پازل را کامل می‌کنند. «کار آگاهان وحشی» از دل نوشتن راه خودش را پیدا می‌کند و ما را هر لحظه با وجوه مختلف و پشت پرده نویسندگی روبه‌رو می‌کند. بولانیو روایت‌گر جسوری است که از چیزی واهمه ندارد. پرداخت او در این رمان گویا همین نکته است که نترس بودن در لابه‌لای کلمات او جا پید می‌کند و جلو می‌رود. رمان کار آگاهان وحشی درباره شکل ادبیات است. گروهی که تصمیم دارند بر سنت‌های گذشته ادبیات آمریکای لاتین مقابله کنند و صدایی تازه برای جهان داشته باشند. همان‌طور که گفته شد رمان سه فصل دارد و ترتیبی را نمی‌توان بر صفحات کتاب قائل بود، چراکه نثر بولانیو و مضمون اثر او یکدست، یک شکل و درست مانند نقشه شیلی صاف و مستقیم است. در این رمان با شخصیت‌های زیادی روبه‌رو می‌شویم، اما پرداخت بولانیو، نکته‌ای را نشان می‌هد که کمتر نویسنده‌ای به آن پرداخته. در واقع هنر این نویسنده شیلیایی هم همین است. از شخصیت‌ها به‌خوبی استفاده می‌کند همان‌طور که از کشورها و شهرهای آمریکای لاتین این بهره را می‌برد. انگار که دایره‌ای از شخصیت‌ها در اطراف راوی، یعنی گارسیا مادرو شاعر قرار گرفته و بی‌هیچ‌نظم خاصی شخصیت‌ها را وارد قصه می‌کند. بعد خارج می‌کند و گاه حتی همان میانه‌ها ولش می‌کند تا خودش تصمیم بگیرد که در قصه بماند یا بیرون. در واقع نوع رفتار بولانیو با شخصیت‌های این کتاب، آزادانه است. انگار که کدام از شخصیت‌ها قدرت انتخاب ندارند جداگانه‌ای از ذهن نویسنده دارند. ناگفته نماند که وقایع رئالیست‌های دو آتشه بر اساس واقعیت است، در واقع کل رمان تا حدودی بر اساس واقعیت است. انگار سرگذشت روبر تو بولانیو مدام در کالبد‌های متفاوت قرار می‌گیرد. شکست شاعران و نویسندگان نقطه اصلی حرکت رمان است. در واقع این مهم خود بیان خلط**



مترجم محمد جوادی

مترجم محمد جوادی

مترجم محمد جوادی

مترجم محمد جوادی